

مردم ایران! با تمام نیروی خود و با توسل به همه شیوه های مؤثر مبارزه، توطئه تبهکارانه شاه و امپریالیسم را درهم شکنید و این نبرد بسیار دشوار و پر افتخار را به پیروزی قطعی برسانید!

مردم

ارکان مرکزی حزب توده ایران

مردم قهرمان ایران!

با اتحاد و تشدید مبارزه، توطئه خونین استبداد و امپریالیسم را

درهم شکنید!

(اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران)

تظاهرات و اعتراضهای اجتماعی و سیاسی ن گسری که سراسر کشور را فراگرفته، رژیم ملت استبدادی محمد رضا شاه و اربابش از پیش بسوی نام میرد...

روزی نیست که صد ها و هزارها مبارز میهن ت به دستور شاه خزیم و حامیان امپریالیستی آن کلاهک نیافتند. یورشهای سیمانه رژیم به توده های شکست روز بروز شدید تر میشود. صدای رگبار سلها و غرش توپهاو تانکها که در این روزها تهران بز آبادان، اصفهان، مشهد، شیراز، سنندج، باد، همدان، کرمانشاه، قم، اهواز و دهها شهر هورک دیگر کشور را بلرز در آورده، صفحات خونین بلای پر تاریخ ننگین سلطنت مغرور پهلوی میافزاید. سر جهان به نبرد های تهرمانه و جنبانزانه مردم ن علیه امپریالیسم و دست نشاندگان داخلی آن دیده تحسین مینگردد.

مردم ایران خواستار آنند که بساط ننگین نت برچیده شود، یک دولت ائتلاف ملی سر کار آید که بتواند دیکراسی و استقلال ملی و زحمتکش و سالمسازی اقتصادی کشور را تأمین د و مجلس مؤسسان را برای تدارک قانون اساسی ق مقصیبات امروزی تکامل ایران و جهان پر پایه نایات آزاد و همگانی تشکیل دهد. اکثریت قاطع مبارزان انقلابی که تهرمانانه در عرصه پیکار سخت و خونین با دشمن غدار مکار نیله گر گذارده اند و از هیچگونه فداکاری و بازی مضایقه ندارند، خواهان تحول بنیادی عمیق جامعه هستند.

ولی رژیم که از حمایت بیدریغ امپریالیسم و دربار است با پایمال کردن ابتدائی ترین حقوق زامیهای دیکراتیک و تبدیل کشور به کشتارگاه

به همبستگی کمیته حزب کمونیست عراق به کمیته مرکزی حزب توده ایران

در جهان نیروئی نیست که مردم ایران با چنین پایداری و قهرمانی نتوانند بر آن فایق آیند

رفقی عزیز!

اکنون نزدیک به یکسال است در ایران جنبش برده خلق که پایه های رژیم شاه را متزلزل ساخته ن، ادامه دارد. علیرغم فشارها و کشتارهای بیرحمانه ز دانشمندی وسیع، دولت ایران نتوانسته است در خلق که با عزمی راسخ بانهدام رژیم پوسیده شاه استه است، خلی وارد سازد.

درود بر طبقه کارگر رزمنده ایران!

در نیم کمیته مرکزی حزب توده ایران به کارگران، کارمندان و کلیه زحمتکشان از جمله گفته میشود که: کارگران سرخست ترین مبارزان ضد ارتجاع، امپریالیسم و نو استعمار هستند. بهمین سبب طبقه کارگر ایران یگانه نیروئی است که میتواند نقش تعیین کننده ای در پی ریزی جامعه متوقی

و پیشرو ایران ایفاء کند و به آرمانهای زحمتکشان و نیرو های آزادیخواه و استقلال طلب تحقق بخشد. این ارزیابی از نقش طبقه کارگر، تنها یک ارزیابی تاریخی و اصولی نیست. رشد سرمایه داری، بویژه در سه دهه اخیر که همراه با افزایش کمی پرولتاریا بود، سیمای جامعه و آرایش نیروهای طبقاتی را بیش از پیش دگرگون ساخت. با افزایش سهم پرولتاریای صنعتی، یعنی پیشروترین و آگاهترین بخش طبقه کارگر در مجموعه کارگران، موجبات رشد کیفی آن نیز فراهم آمد. بدینسان طبقه کارگر به مؤثر ترین نیروی اجتماعی در سرنوشته حال و آینده کشور تبدیل شد.

نیروی طبقه کارگر با تمداد آن، با نقش آن در اقتصاد کشور، پیوندش با توده های زحمتکش با حجه تشکیل آن رابطه مستقیم دارد. هم اکنون تعداد کارگران مزد بگیر کشور در حده رشته های اقتصادی ملی به حدود پنج میلیون نفر رسیده، که حاکی از وزن مخصوص چشمگیر آن در کل ساکنین کشور میباشد. ولی این نیز روشن است که نیروی پرولتاریا در حرکت تاریخی بمسراتب بیش از نسبت آن در کل جمعیت است. سنن یکپارچگیانه پرولتاریا، سطح نسبتاً بالای تمرکز پرولتاریائی صنعتی در مؤسسات بزرگ و اینکه علیرغم ترور وحشیانه حاکم بر کشور، که لیه تیز آن بیش از همه و در درجه اول متوجه کارگران است و صرفنظر از مشکلات سد های عینی موجود در راه رشد سریع کیفی پرولتاریا، اعتراضهای گسترده پرتوان و پرمضمون کارگران ایران در ماههای اخیر و ادامه ییگیتر و سرخست آن، یلرز بلزئی عیان ساخت که یکپارچگی انقلابی و آگاهی طبقاتی طبقه کارگر در سطح عالی قرار دارد و پرولتاریائی ایران دارای امکانات انقلابی بس وسیعی است. کارگران با شرکت مؤثر و فراگیر خود در جنبش کسوتی و طرح خواستههای

دنباله در صفحه ۲

همه کس قهرمان، همه جا پیکار!

مگو بام شهیدان چه؟ صف رزم آوران چنداست؟ سراسر خلق این کشور شهید آرزومند است. پهر جانی است ایرانی، کسوتی یا دیو بستیزد صلابی کارگر با بانگ دانشجو در آید.

دنباله در صفحه ۲

مقصّر اصلی شاه است

رژیم ضد ملی شاه براب برتگاه نیستی قرار گرفته و حامیانش بدست و پا افتاده اند. در حالیکه از پیکر زنجیده مردم ایران خون میچکد، میلفان دولتی مدعی میشوند که مسئول اختلال عظیمی صکه ایران را به بحران تاریخی کنونی کشانده نصیری ها و هویدها و دیگر متصدیان امور بوده اند و گویا شخص محمد رضا شاه تقصیری ندارد. هدف اینست که شاه این مظهر اسارت و فلاکت مردم ایران را «تبرئه» و از زیر ضربه خارج سازند. با چنین «منطق» هذیان آمیزی میلفان دولتی میتوانند در صدد «تبرئه» یوید ملهون هم بر آید که گناه بگردن شمر بوده است. کوشش برای «تبرئه» محمد رضا شاه از سوئی اهانیت جدیدی بمردم ایرانست. از این مردم انتظار دارند آفتقر «ببخیر» باشند که پس از بیست و پنج سال تعدی و کشتار و فساد و چپاول محمد رضا شاهی هنوز هم با باطیلیل مذکور باور کنند و سارق اموال و قاتل اولاد و فروشنده وطن خود را شناخته باشند. از سوی دیگر کوشش برای «تبرئه» شاه نیات امپریالیسم را فاش میسازد. روشن میشود که آنها حاضر نیستند دست از جان و مال مردم ایران بردارند و رژیم محمد رضاشاهی را که آلت اجرایی این تسلط اهریمنی است از دست بدهند. روزنامه فرانسوی «مان» و چندی پیش بصراحت نوشته بود: «اگر شاه نتواند وقت را برای غرب تأمین نماید این نشات خواهد داد که رژیم وی نیابت اداره کردن ایران را ندارد. در اینصورت برای واشنگتن باید این سؤال مطرح باشد که چنین رژیمی دیگر به چه درد میخورد؟». نظر جهان امپریا لیستی در باره رژیم شاه و علل پشتیبانی آن از این رژیم را روشن تر و در عین حال گستاخانه تر از این نمیتوان بیان کرد.

ولی خوشبختانه مردم ایران به واقعیات زندگی دنباله در صفحه ۲

تفسیر هفتگی روزنامه پراودا در باره اوضاع ایران

روزنامه «پراودا» در شماره ۲۶، نوامبر سال ۱۹۷۶ در تفسیر هفتگی خود در مورد اوضاع ایران از زیر عنوان «امر داخلی» چنین مینویسد: بنا بر اخباری که از تهران میرسد اوضاع ایران همچنان متشنج است. در خیابانهای تهران و دیگر شهرهای بزرگ کشور نیروهای ارتشی در رفت و آمدند و برفراز آسمان هلیکوپترهای نظامی در پروازند. تظاهرات ضد دولتی همچنان ادامه دارد و نیروهای ارتش این تظاهرات را با استفاده از اسلحه سرکوب میکنند. در ارتباط با این حوادث اخیراً در مطبوعات امریکا انتشار مطالبی بیش از پیش جلب توجه میکند که در آنها به احتمال «کمک نظامی» ایالات متحده امریکا برای سرکوب جنبش مردم «اشاره های روشن و مستقیم» میشود. در این مطالب حتی از اعزام واحدهای نظامی امریکائی به ایران سخن گفته شد. روزنامه ها بعنوان تأیید این مطلب گفتگویی تلفنی بژنرالیسی مشاور مسائل امنیتی رئیس جمهور امریکا با تهران خاطر نشان میکنند که در جریان آن گویا به محافل حاکمه اطمینان پشتیبانی صد در صد از جانب امریکا داده شده است. انگیزه های یک چنین علاقه مندی واشنگتن چیست؟ روزنامه ها در این مورد انگیزه های چندی را نام میبرند. از جمله این انگیزه ها از تکراری درباره سرنوشته سرمایه گزانهای کلان امریکا در ایران و نفت ایران که ده درصد تمامی واردات نفتی ایالات متحده امریکا را تشکیل میدهد نام برده میشود. علاوه دنباله در صفحه ۲

درود به طبقه کارگر پیکارجوی ایران که با مبارزات گسترده اعتصابی خود، پیشاپیش جنبش انقلابی خلق قرار دارد!

فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان از مبارزه مردم ایران پشتیبانی میکند

فدراسیون دموکراتیک بین‌المللی زنان همبستگی خود را با مردم ایران با مراد و زنانی که با هم «واژه» خواست استوار خود را برای رهایی زندانیان سیاسی از زندان‌هایی که سالیان دراز مشقت و درد و رنج و ترور و شکنجه را تحمل کرده اند اعلام میدارد.

فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان از خواستهای دموکراتیک مردم ایران یعنی آزاد کردن کلیه زندانیان سیاسی، بازگشت پانصدگان سیاسی به میهن خود و استقرار دموکراسی پشتیبانی میکند.

فدراسیون بین‌المللی دموکراتیک زنان از کلیه سازمانهای ملی وابسته میخواهد تا با تمام وسائلی که در اختیار دارند همبستگی و پشتیبانی خود را با این ملت دزیر که در سخت‌ترین شرایط برای زندگی بهتر و حق و عدالت و دموکراسی در کشور خود پیکار میکند اعلام دارند.

مردم قهرمان ایران ...

روشن است که در مرحله کنونی هیچکدام از احزاب سیاسی و بطریق اولی شخصیت‌های جداگانه به تمهاتی قادر نخواهند بود جنبشی را که توده‌های خلق بدان خصالت برجسته و وسیع ملی و دموکراتیک دادند، به پیروزی در خور پیروان رسانند. همین جهت حزب توده ایران با تمام قوا در راه ایجاد جبهه واحد با شرکت کلیه نیروهای ضداستبدادی و ضدامپریالیستی مبارزه کرده و میکند.

جنبش انقلابی مردم که بطور عمده با ابتکار توده‌ها در مرحله کنونی اوج خود رسیده، کلیه احزاب و گروه‌های سیاسی و شخصیت‌های ضد رژیم را با مسئولیت تاریخی خطیری روبرو کرده است که نمیتوان از زیر بار آن شانه خالی کرد.

حزب توده ایران علیرغم برخی موضع‌گیری‌های نادرست که از طرف عناصر مختلف در مسئله اتحاد دیده میشود، وظیفه خود میداند که در این لحظات حساس و سرنوشت ساز تلخی میهن ما، بار دیگر ضرورت برپا شدن تشکیلات جبهه واحد نیروهای ملی و دموکراتیک را برای مقابله با توطئه‌های امپریالیستی خنثی کردن آن، متفرد کردن و بالاخره سرنگون ساختن رژیم سلطنت وری و کارآوردن یک دولت مؤتلف ملی و آزادیخواه یاد آور شود. طبیعتاً است که حزب ما برای هرگونه اقدام بی‌برنگ در این زمینه در هر لحظه‌ای آماده است و همه نیروهای ایزدپسین را به مسئولیت خطیری آنها توجه میدهد.

ما نزدیک نداریم که مردم دلاور و قهرمان ایران که چنین صحنه‌های اعجاب‌انگیزی از فداکاری و جانبازی در راه مرام مقدس خلق ایران از خود نشان میدهند در مقابل توطئه‌های جنایتکارانه رژیم غدار محمد رضا شاه و امپریالیسم، جامی آن کوچکترین گامی به عقب برندخواهند داشت.

مردم ایران! با تمام نیروی خود و با توسل به همه شیوه‌های مؤثر مبارزه و با یکپارنداختن کلیه وسائلی که میتوان بکار انداخت، توطئه تبه کارانه شاه و امپریالیسم را درهم شکنید و این نبرد بسیار دشوار و پرافتخار را به پیروزی قطعی برسانید و پرچم آزادی و استقلال را برافرازید!

سربازان! افسران! درجه‌داران میهن پرست نیروهای مسلح ایران! شما که از میان خلق برخاسته‌اید نگذارید که استبداد و امپریالیسم جنایات موحش خود را علیه فرمان برادران و خواهران شما بدست شما انجام دهند. به ندای حق طلبانه مردم پاسخ دهید، در کنار جنبش بزرگ خلق علیه دشمنانش قرار بگیرید و از هر طریقی

مقصر اصلی شاه است

خود پندرسی واقفند و فریب تمیخوردند. مگر هویدا یک نوکر و مجری دستورات شاه نبود و نصیری بعنوان رئیس ساواک جز شخص شاه (والیته کارشماستان دامپتی، خارجی) به کس دیگری گزارش میداد و از کس دیگری دستور میگرفت؟ مگر با همدستی شخص شاه نبود که انحصارات نفتی استقلال و حاکمیت و قانون اساسی ایران را زوربا گذاشته دولت قانونی دگرمصنق را بدست سبیا دور سرنگون و نفت ملی شده ایران را از نو غصب کردند؟ مگر شخص شاه نبود که برای بار هزارم علیه روح و نص قانون اساسی ایران قیام و کلیه آزادیها را از مردم سلب و احتزاب ملی و دموکراتیک را قدغن و حزب رسوای برستخیز، را بعنوان «حزب» سوار گردن جنبه ایران کرد و خود شخصاً از طریق رادیو - تلویزیون اعلام نمود که هر کس با این دولتی بیعت نکند یا زندانی خواهد شد و یا باید از ایران برود و دیگر توفیق نداشته باشد؟ مگر تحمیل کننده قرار دادهای خانثانه نفت تعیین کننده بهای نفت؟ برپا دهنده درآمد نفت از طریق تسلیحات و ریخت و پاشها و مزدبهای کلان، گشاینده دروازه های بازار ایران برای انحصارات غارتگر امپریالیستی، مسلح سازنده ارتش ایران با پول مردم ایران بمقاربه زانده نواستعداری ارتش امپریالیسم آورنده مستشاران امپریالیستی و مسلط سازنده آنها بر همه رشته های زندگی جامعه ایران، مخرب کشاورزی ایران و برپا دهنده زندگی میلیونها روستایی و شهری کشور ما و ... شخص محمد رضا شاه نبوده است و نیست؟ مگر در رأس همه دزدان اموال ملت و دولت، شخص شاه، شاهپورها، شاهدخت‌ها و والا گهرا قرار ندارند و پرورنده اموال خاندان پهلوی هم اکنون مطرح نیست؟ امروز نیز که وسیعترین جنبش‌های بخش تلخی ایران اوج گرفته و میلیونها نفر ایرانی میهن پرست فریاد استقلال، آزادی و دموکراسی برآورده اند بدستور محمد رضا شاه نیست که سرتاسر خاک ایران بخون فرزندان خلق رنگین گشته است؟ مگر از برای او اوسیه‌ها جز مجربان دستور شاه و حامیان امپریالیستی وی چیز دیگری هستند؟

گوشش مبلغان حکومتی برای «تبرئه» شاه از همان آغاز امید با طلی است. مردم ایران رژیم ضد ملی و استبدادی شاه را علت اصلی همه فلاکتهای خود میدانند و شخص محمد رضا شاه پهلوی را مقصر اصلی کلیه تجلوزات، آزادی کشیها، مزدبها و ملتفروشه‌های ایران برپا ده می‌شاندند. گوشش امپریالیسم برای نجات این رژیم متغور و این شاه مطرود و متفرد بر مطرود و متفرد و متغور بودن خود امپریالیسم در ایران گواهی میدهد. بر این واقعیت گواهی میدهد که «منافع» امپریالیسم در ایران بقدری راهزانه و قلبرانه است که جز بربک رژیم متغور، مطرود و متفرد نمی تواند بر چیز دیگری متکی باشد.

ولی مردم قهرمان ایران با مبارزه قاطع و پیگیر خود هم این رژیم سرپا نگذیده و هم «منافع» امپریالیستی متکی بر آن را بر خواهند انداخت. ع. گ. آزاد

در جهان نیروئی نیست که مردم ایران ...

و طاعتیت و با چنین نبردهای شدید، دیرپا و خونین نتوانند بر آن فایق آیند و آنرا فلج سازند. ما کمونیستهای عراق بعثت وجود پیوندهای تلخی محکم میان دو حزب و با خلقهای ما از روح پیکارجوی مردم ایران و تنوع اسلوب ها و شیوه‌هایی که در مبارزه بکار میروند، بخوبی آگاهیم و نیز میدانیم که حزب شما در میان توده‌های گسترده مردم از چه اعتبار منوی سیاسی بزرگی بر خوردار است و در امر اتحاد همه خلقهای ایران و همه نیروهای مترقی میهن پرست کشور برای مبارزه در راه تحقق منافع همگانی مردم به اندازه مجاهدت میروزد و چه نقش پر افتخاری در این

که ممکن میسرمد، توطئه‌های ایران برانداز استبداد و استعمار را خنثی کنید. این وظیفه مقدس میهنی و ملی شماست! کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۴ آذر ماه ۱۳۵۷

تفسیر هفتگی روزنامه پروادا ...

براین محافل معنی در ایالات متحده آمریکا از جنبش چرخشی در حوادث ایران نگارند که بعنوان در مواضع نظامی-استراتژیک آنها در منطقه خلیج فارس و بطور کلی خاور نزدیک تأثیر کند.

این مطلب را مجله آمریکائی «یونایتد استیتس نیوزاند ولد ریپورت» در مقاله خود بوجهی روشن تأیید میکند. در این مقاله از جمله گفته میشود: «شکست ایران (منظور رژیم کمونی است - مقصر «پروادا») برای ایالات متحده آمریکا بی‌آمنه‌های اقتصادی، استراتژیک و سیاسی بالقوه خطرناک پدیده‌های راجع خواهد داشت» و بنظر می‌رسد که صریح‌تر از این نمیشود اظهار نظر کرد.

این موضوع نیز جالب است که به گواهی مطبوعات خود آمریکا نزدیک به ۸۰ هزار نفر از اتباع ایالات متحده آمریکا در ایران هستند که بخش اعظم آنها از نیروهای مسلح ویا مؤسسات وابسته به آن ویا سرویس‌های ویژه ایالات متحده آمریکا میباشند. و بهمین علت تصادفی نیست که از میان طراحان عمده نقشه‌های مداخله نظامی آمریکا در امور ایران از پنتاگون و «سیا» نام برده میشود.

اتحاد شوروی که با ایران مرزهای مشترک دارد نمیتواند نسبت به هرگونه مداخله و بطریق اولی مداخله نظامی در امور داخلی کشور همجوار خود نظریه متفاوتی باشد. برای همه روشن است که اینجا دیگر موضوع مصالح امنیتی اتحاد شوروی به میان می‌آید.

بسیاری از روزنامه‌های آمریکا و آرگانهای مطبوعاتی دیگر کشورها پاسخ رفیق برفرف به خبرنگار روزنامه پروادا را در مورد حوادث ایران «افراط‌چینی» و «واشنگتن» و «اعتراض قطعی به نیات خطرناک» توصیف کردند. اظهارات رهبر شوروی مبنی بر اینکه اتحاد شوروی که با این کشور دارای روابط سنتی حسن همجواری است، با مداخله خارجی در امور داخلی ایران از جانب هر کس، بهر شکل و بهر عنوان جداً مخالف است از جانب محافل اجتماعی جهان بی‌رضایتمندی عمیق استقبال گردید. حوادث ایران جنبه کاملاً داخلی دارد و مسائل و مشکلات مربوط به این حوادث را خود مردم ایران باید حل و فصل کنند. برابرسوول اسامنامه سازمان ملل متحد و دیگر اسناد معتبر بین‌المللی، دول دیگر موظفند حق حاکمیت و استقلال ایران و مردم ایران را محترم بشمرند.

زمینه ایفاء میکند. ما اطمینان داریم که همه نیروهای صلح‌گوست و دموکراتیک جهان در این پیکار مقدس هوادار و پشتیبان خلق شما هستند.

رقیق عزیز! بشما اطمینان میدهم که در کشور عراق همه کمونیستهای عراق رقیق هم‌رمز شما هستند. باطلاع شما می‌رسانیم که روزنامه «طریق الشعب» آرگان مرکزی حزب کمونیست عراق و پدیده‌های ایران امرتجاً در صفحات خود متعکس میسازد و جریان مبارزه توده های مردم ایران و قهرمانیهایی آنها را برای خوانندگان خود شرح میدهد و توطئه‌های امپریالیسم و ارتجاع را که برای تخریب این مبارزه می‌کوشند افشاء میکند. ما بی‌مناقبه و با تمام نیروی خود از پیکار شما پشتیبانی کرده و خواهیم کرد.

رققا! بمناسبت شهادت قهرمانانه مبارزان دلیر جنبش آزادیبخش خلق قهزمان ایران مراتب همدردی صمیمانه خود را بشما ابراز می‌نمایم و از شما خواهش می‌کنیم که این همدردی ما را به اطلاع خانواده‌ها و بستگان شهدا برسانید. ما به پیروزی مردم ایران اعتماد عمیق داریم. دست شما را بگیریم میثابرم با قرودهای رفیقانه کمیته مرکزی حزب کمونیست عراق ۶ آذر ماه ۱۳۵۷

آدرس جدید حساب بانکی ما: Sweden Stockholm Sparbanken Stockholm N: 0 400 126 50 Dr. John Takman

درد بر طبقه کارگر رزمنده ایران!

مشخص ملی و دموکراتیک عملاً به ثبوت رسانند که نیروی عمده خلق و مهم‌ترین عامل نبرد در راه تحولات بنیادی جامعه میباشند.

روند حوادث رسالت تاریخی بس مهم بعد طبقه کارگر گذارده است. تجربه جنبش‌های رهبران بخش میاموزد که مبارزه انقلابی توده‌های وقتی میتواند به پیروزی نائل آید که خواستهای سیاسی و اقتصادی را در پیوند ارگانیک با یکدیگر عرضه دارد ولیته حمله را متوجه دشمن عمده خلق کند. فرارویی سر مبارزات اقتصادی کارگران به نبرد سیاسی در فاصله زمانی اندک و طرح خواستهای عمیقاً ضد امپریالیستی سطح عالی درک سیاسی و دور اندیشی طبقه کارگر را بار دیگر بی‌ثبوت رساند.

شرایط مشخص کنونی کشور ما، اکثریت قاطب توده‌ها و از آنجمله کارگران علیه سلطنت استبداد، بی‌اخلاصه و بحق خواهان سرنگونی رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک محمد رضا شاه هستند. ولی این پروتولاریا و پیشرو صنعتی بود که پندرسی درک کرد که سرنگونی رژیم بدون مبارزه سرسخت و پیگیر علیه دشمن عمده یعنی امپریالیسم آفریننده رژیم پلیسی امکان پذیر نیست.

بدینسان نیز کارگران ایران نشان دادند که هیچگاه این سخنان لنین بزرگ را فراموش نمیکنند که طبقه کارگر در جریان مبارزه سیاسی و اقتصادی خود تنها نقش یکی از طبقات موجود در جامعه پروتولاریا را ایفاء نمیکند، بلکه نقش رهبر، هادی و پیشرو را نیز بهعهده دارد. این امر ناشی از آنست که بنا به آموزش لنین، پروتولاریا از نظر اقتصادی بر مراکز سرمایه سیستم اقتصادی نظامی سرمایه داری و بر سلسله اعصاب آن تسلط دارد.

کوتاه سخن، طبقه کارگر نقش مهمی در هدایت جنبش برام ملی و دموکراتیک و به نمر رساندن آن بهعهده دارد. برای انجام این وظیفه خطیر، قبل از هر چیز، تشکل و اتحاد درون خود کارگران اهمیت ویژه ای کسب میکند. در شرایط اوج جنبش کنونی امکان چنین تشکل و اتحاد از راه بدست گرفتن ادارات امور سندیکاهای در هر رشته صنعتی و دستیابی به وحدت عمل و اتحاد سندیکاهای رشته های گوناگون بیش از پیش فراهم است. باید از این فرصت مناسب و مساعد برای تشکل سازمانی ارتش پنج میلیون قهری پروتولاریا استفاده کرد.

مسئله عمده تشکل پیشروترین و آگاهترین بخشهای کارگران در صفوف حزب خود، حزب توده ایران است. اینکه طبقه کارگر در سببهای حزب توده ایران، سازمان سیاسی ویژه خود را دارد، وی را به نیروی مؤثر و با نفوذ سیاسی و اجتماعی در جامعه تبدیل میکند.

لنین خاطر نشان میساخت که باید کارگران پیشرو را روشن کرد که چه معصد بالقوهای درسیما! هم «مقتان» هم دانشجویان و هم بطور کلی روشنفکران دارند.

دهقانان زحمتکش دارای امکانات انقلابی وسیعی هستند و بزرگترین متحد طبقه کارگر در نبرد در راه استقلال ملی، آزادی و پیشرفت اجتماعی هستند. در عین حال در جریان جنبش عظیم اقتصادی که هم اکنون نیز ادامه دارد، اهمیت اتحاد و همبستگی کارگران و دانشجویان و روشنفکران در عمل از محک آزمایش گذشت و ضربه‌ی مصوسی به رژیم ضد ملی و ضد دموکراتیک وارد آورد.

کلیه اعضای حزب توده ایران وظیفه دارند با استفاده از هر وسیله‌ای که در اختیار دارند، در پیبرد این هدفها با تمام قوا بکوشند. برای اعضای حزب توده ایران هیچ وظیفه ای عاجزتر و مهمتر از رفتن به میان توده های کارگر و توضیح صریح و روشن خط مشی، تاکتیک و استراتژی حزب بقصد تأمین تشکل پروتولاریا و جلب کارگران پیشرو و آگاه به صفوف حزب وجود ندارد. فقط از این راه است که میتوان به تشکل ارتش سیاسی انقلاب نائل آمد و به خواست توده های زحمتکش، دایر به تحول بنیادی در شئون اجتماعی، اقتصادی و سیاسی جامعه عمل پوشاند.